

## بررسی روند تکامل و نقش مورب‌نویسی در صفحه‌آرایی نسخ خطی از سده چهارم تا نهم هجری

سعید خودداری نایینی<sup>۱</sup>، الهام اکبری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنرتهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد هنراسلامی، دانشگاه هنرتهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۴/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۷/۲۸)



### چکیده

مطالعه بر روی نسخه‌های خطی نشان می‌دهد یکی از عواملی که باعث گردیده تا شیوه‌ی تازه‌ای از نگارش و به دنبال آن چینش‌های مختلف و متنوعی از خطوط و تزیینات در صفحات یک نسخه شکل بگیرد، مورب‌نویسی است. اما مطالعاتی که سیر تحول و تکامل این شیوه نگارش را نشان دهد، تا کنون انجام نشده است. نگارندگان در این پژوهش برای یافتن پاسخی به این پرسش‌ها که: مورب‌نویسی از چه زمانی و در کدام نسخه‌ها آغاز شد؟ چگونه به عنصری برای صفحه‌آرایی تبدیل شد؟ و چگونه بر دیگر عوامل تزیینی صفحه تاثیر گذاشت؟، نسخه‌هایی با موضوعات مختلف و پیش از سده نهم را در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور به روش تحلیلی-توصیفی مورد مطالعه قرار داده‌اند. در نتیجه‌ی این پژوهش، قدیم‌ترین مورب‌نویسی متعلق به نسخه‌های علمی سده چهارم شناخته شده است، همچنین مورب‌نویسی در صفحه‌آرایی، موجب ایجاد تنوع در نحوه چینش سطور در جهت ممانعت از یکنواختی صفحات و استفاده بهینه از تمامی فضای پیرامونی یک صفحه گردیده است و علاوه بر آنها، مورب‌نویسی عاملی شده است برای اضافه شدن عناصر جدیدی همچون سرلوح مورب و لچکی‌ها به آرایه‌های تزیینی یک نسخه.

### واژه‌های کلیدی

مورب‌نویسی، صفحه‌آرایی، نسخه‌های خطی، سده چهارم تا نهم قمری.

## مقدمه

اسحاق، که دارای متنی تلفیقی (نظم-نثر) است، در صفحات ۴۶ و ۸۳، ابیات سه ستونه و در صفحه ۴۴، ابیات پنج ستونه کتابت شده‌اند. این نسخه نفیس به خط نصرین محمد بن هبه الله بن حسن، معروف به ابن ابی الشوک است.

ایجاد تنوع در نوع ترکیب بندی‌ها، از تلاش‌های اولیه‌ای بوده‌است که برای ایجاد گسست در یکنواختی صفحات یک نسخه، به کار می‌رفته‌است (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۹۴، ۵۱۸). از این رو نوشته‌ها در نسخه‌های خطی به غیر از افقی (عمود بر شیرازه)، به اشکال دیگری همچون، عمودی (موازی بر شیرازه) مورب و اشکال نامنظم دیگر هم نگارش شده‌اند. در این میان، سطراندازی به شیوه‌ی مورب، یکی از شیوه‌های مؤثر در ایجاد تنوع و پویایی در صفحات یک نسخه است. مورب‌نویسی به معنای نوشتن بر خط کرسی‌ای است که نسبت به متن اصلی کتاب زاویه داشته باشد. این نوشته می‌تواند در داخل متن و یا در حاشیه، مورب‌نویسی شود؛ می‌تواند یک کلمه باشد و یا یک متن مستقل. مورب‌نویسی هم در متن و هم در حاشیه نویسی‌ها مورد استفاده بوده است و موجب دست‌یابی به اهدافی نیز در زمینه‌ی صفحه‌آرایی شده‌است. دستاوردهای مورب‌نویسی در متن عبارت‌اند از: ایجاد تنوع در ساختارهای صفحه‌آرایی در دست‌نویس‌ها، ممانعت از یکنواختی در سطور، تأکید بر ابیاتی خاص در یک صفحه و ورود عناصر تزئینی جدید به داخل متن. علاوه بر این، مورب‌نویسی در حاشیه‌ها نیز منجر به استفاده‌ی کامل و بهینه از تمامی فضای اطراف صفحه، و خوانش پیوسته‌ی متن شده است. صفری آق قلعه، در کتاب نسخه‌شناخت، سرلوح مورب را از جمله آرایه‌هایی دانسته است که نحوه شکل‌گیری آن، تابع این سبک از کتابت (حاشیه مورب) است (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰، ۳۱۰).

علاوه بر محدود بودن میزان تحقیقات در این زمینه، برای شناخت و بررسی نسخه‌های مورب‌نویسی شده، متأسفانه اطلاعات موجود در فهرس کتابخانه‌ها نیز کمک چندانی نمی‌کنند. چرا که فهرست‌نویسان، فقط گاهی به وجود حاشیه‌نویسی در نسخه اشاره کرده‌اند و به این شیوه از نگارش هنرمندان خطوط توجه نداشته‌اند، با وجود این، نگارندگان به منظور یافتن اولین نمونه‌های مورب‌نویسی در داخل نسخ خطی و شناسایی اینکه خاستگاه مورب‌نویسی در نسخ ادبی از کجاست؟ و چگونه آن به عنصری برای صفحه‌آرایی تبدیل شد؛ چگونه بر دیگر عوامل تزئینی صفحه تأثیر گذاشت؟ و در آخر چه پیامدهایی برای کتاب‌آرایی داشته؟ به نسخه‌های اقدم برخی کتابخانه‌ها مراجعه نموده و نمونه‌های محتمل در داشتن مورب‌نویسی را شناسایی کرده و پس از رؤیت نسخه‌ها یا تصاویرشان، آنها را با توجه به متغیر مکان مورد مطالعه قرار داده و آنها را به گونه‌ای طبقه‌بندی کرده‌اند که بتوان قدیم‌ترین مورب‌نویسی‌ها را در هر شکل آن شناسایی کنند. این طبقه‌بندی عبارت است از:

۱- مورب‌نویسی در متن؛

۲- مورب‌نویسی در حاشیه؛

هنگام مطالعه و بررسی نظام نوشتاری در نسخه‌های خطی و یا به عبارت صحیح‌تر، دست‌نویس‌ها، مشاهده می‌شود که تنظیم سطور نوشته‌ها در صفحات نسخ، تابع سبک‌ها و شیوه‌های مختلفی است و این امر باعث پدید آمدن اشکال صفحه‌آرایی متنوع، در نسخ دوره‌های مختلف شده است.

قدیمی‌ترین ابداعات در نحوه چیدمان سطور، در قرآن‌های به جامانده از دوران سلجوقی دیده می‌شود. در این مصاحف، سه سطر با خط درشت (کوفی، ثلث یا محقق) در بالا و پایین و میانه‌ی صفحه قرار گرفته است و سطور مابین آنها، با خطی ریزتر (نسخ یا ریحان) پر شده‌است، مانند قرآن شماره ۱۹۵۰، موزه رضا عباسی. نوآوری‌ها در ترکیب بندی‌های سطور همچنان ادامه می‌یابد تا بدان جا که در نسخه‌های دوران تیموری و پس از آن، به آثاری برمی‌خوریم که چنان پیچیده سطراندازی شده‌اند که خوانش متن، با دشواری همراه است. بزرگی از نسخه‌ای خطی با عنوان آلبوم دیز که در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود، بدین شیوه سطراندازی شده است (Diez A fol. 74، برلین، سده ۹ق). در این برگ از نسخه، ابیات به سه شیوه افقی و عمودی و مورب سطراندازی شده‌اند. از نمونه‌های متأخرتر نیز می‌توان به جنگ اشعار، موجود در کتابخانه سلطنتی دانمارک اشاره کرد (شماره ۱۷، Cod. Pers. Add. 17، دانمارک، سده‌های ۱۲ و ۱۳ق). در بعضی از صفحات این جنگ، مورب‌نویسی به صورت مورب و متقاطع در تمامی صفحه اجرا شده است به گونه‌ای که روند خوانش، به آسانی امکان پذیر نیست.

چگونگی سطر بندی یک صفحه، به عوامل مختلفی از جمله حجم متن، موضوع متن، قطع کتاب، نوع خط، کمبود یا فراوانی کاغذ و از همه مهم‌تر سلیقه‌ی کاتب، وابسته بوده است. به طور معمول رسم الخط‌های عربی و به تبع آن فارسی، از سمت راست به چپ و بر روی خطوط کرسی و یا همان سطور، نوشته می‌شوند. در نسخه‌های خطی برای اینکه نوشتارها در یک راستا قرار گیرند و به اصطلاح بر یک کرسی باشند، از مسطر استفاده می‌شده است. به غیر از نمونه‌های برجای مانده از مسطرهای تاریخی<sup>۱</sup>، در بعضی از متون قدیمی نیز به مسطر به عنوان ابزار مورد استفاده‌ی کاتبان اشاره شده است به عنوان نمونه در کتاب تحفه‌المحبین (سراج شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱۱)، از مسطر یاد شده است. با مسطره‌کشی نسخ، تعداد سطرها، فواصل آنها از یکدیگر و میزان طول آنها، در همه صفحات به صورت برابر تنظیم می‌شده است. در سنت نسخه‌نگاری اسلامی، برای تعداد سطور، اعداد فرد بیش از اعداد زوج، مورد توجه بوده‌اند (دروش، ۱۳۹۵، ۲۲۲). مسطره‌کشی در کتب منظوم، از آن جهت که می‌بایست مصرع‌ها با نظمی خاص و با فاصله‌ای یکنواخت از یکدیگر در صفحه قرار می‌گرفتند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. کتب منظوم فارسی اغلب به صورت دو، چهار، شش و در بعضی موارد خاص، هشت ستونه کتابت شده‌اند، البته گاهی تعداد ستون فرد است. برای مثال در کتاب الامالی فی النحو (شماره ۱۴۵۸۹، مجلس، ۵۸۶-۵۸۴ق) تألیف عبدالرحمن بن

نسخه‌های خطی ایران<sup>۴</sup>، این قاعده رعایت نشده و می‌بینیم که از حاشیه‌های صفحات، برای دستیابی به اهداف مختلفی، بهره برده شده است. در بسیاری از نسخه به جا مانده مشاهده می‌شود که حاشیه‌ها، محلی شده‌اند برای اضافه نمودن تزیینات و گاهی توضیحات و در نهایت در بعضی از نسخ، حاشیه‌ها هویتی مستقل یافته و جایگاهی شده‌اند برای کتابت متنی دیگر.

۳. مورب نویسی در مرقعات و انجامة‌ها. طبقه‌بندی حاضر بر اساس مکان مورب نویسی از آن رو صورت گرفته است<sup>۳</sup> که: هر صفحه یک نسخه خطی، از لحاظ کلی دارای دو بخش است، یکی متن و دیگری حاشیه و به طور معمول متن هر صفحه کتاب مکانی است که در آن کتابت می‌شود و حاشیه، فضای سفید (بیاض) پیرامون آن است. ولی در بسیاری از

## پیشینه تحقیق

تاریخی ورود مورب نویسی به داخل متن مشخص می‌گردد که این سبک با مورب نوشتن تک کلمات در داخل متون آغاز گردیده و تا مورب نوشتن کل متن پیش رفته است. مورب نویسی کامل در برخی بیاض‌های دوره صفوی، از این دست از نسخ هستند مثل *جنگ اشعار* (شماره ۵۱۱۵، ملک، سده ۱۱ق) و کتاب *مصباح العابدین* (شماره ی Cod. Pers. A.C. ۳۹، دانمارک، ۱۰۹۶ق) اثر سید زین‌العابدین حسینی، که به صورت تمام مورب کتابت شده است (برای تصویر نک: Perho, 2014, b00k1, 146). با توجه به این که مورب نویسی در موضوعات مختلف، تاریخ یکسانی نداشته، این بخش (مورب نویسی در داخل متن) را از لحاظ موضوعی (علمی - ادبی) و بر اساس تکامل تاریخ آن به دو بخش می‌توان تقسیم نمود: الف) بررسی مورب نویسی در نسخه‌های علمی همچون: گیاه‌شناسی و گیاهان دارویی، نجوم، ریاضی، هندسه و رسالات موسیقی.

ب) بررسی مورب نویسی در نسخه‌های ادبی.

**الف) مورب نویسی در نسخه‌های علمی:** در میان نسخه‌های خطی به جا مانده اعم از علمی و ادبی، مشاهده می‌شود که مورب نویسی در متن کتب علمی، سال‌ها پیش از مورب نویسی در کتب ادبی مرسوم بوده است. کتب علمی در اکثر موارد با جداول علمی همراه بوده‌اند، لذا به منظور نوشتن کلمات در داخل خانه‌های جداول، کاتبان از قطر خانه‌های جداول بهره می‌بردند. البته استفاده از مورب نویسی در این جداول، صرفاً به دلیل بلندی طول کلمات نبوده و در مواردی به منظور اهداف دیگری همچون تأکید بر کلمه‌ای خاص و یا پُر کردن فضای داخل خانه‌ها نیز از این شیوه استفاده شده است. به خصوص در جداولی که اندازه خانه‌های جدول برابر نبوده‌اند، کلمات در خانه‌های بزرگ‌تر مورب نوشته می‌شدند تا تعادل تجسمی صفحه خوشایند باشد. با مطالعات صورت گرفته، قدیم‌ترین نسخه خطی مورب نویسی شده در این پژوهش، متعلق به میانه سده چهارم شناخته شد. از این رو می‌توان این نسخه را، از اقدم نسخه‌های مورب نویسی شده در جداول علمی دانست. این نسخه، یک رساله ریاضی<sup>۵</sup> (شماره ی arabe 2457، فرانسه، ۳۵۸ق) متعلق به کتابخانه ملی فرانسه است (تصویر ۱). با توجه به مشاهدات و بررسی‌های نگارندگان

متاسفانه مطالعه‌ای اختصاصی که این شیوه از نگارش را مورد بررسی قرار دهد، تا کنون انجام نشده است و اغلب پژوهشگران هنری در قالب سطراندازی، نسخه‌شناسی و یا جدول‌کشی به این موضوع پرداخته‌اند. در کتاب *دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی به خط عربی*، دروش (۱۳۹۵) در بخش صفحه‌آرایی با عنوان *آراستن سطرها*، در ضمن معرفی چند نسخه مورب نویسی شده، به این نوع نگارش نیز اشاره نموده است. همچنین در مطالعه‌ای که رایث (۲۰۱۲) بر روی نسخه‌های خطی شیراز انجام داده است، به این شیوه، در بیشتر نسخه‌های خطی دوره تیموری اشاره کرده است. در کتاب *نسخه‌شناخت نوشته صفوی آق قلعه* (۱۳۹۰) نیز در بخش‌های مرتبط با جدول‌کشی، به این شیوه اشاره شده و بکارگیری این شیوه از نگارش را باعث شکل‌گیری آرایه‌هایی جدید در کتاب‌آرایی دانسته است. ایرج افشار (۱۳۸۹) نیز به تدابیر کاتبان (کوتاه کردن طول سطور و فاصله اندازی زیاد در بین آنها) در نحوه سطراندازی، در جهت آماده‌سازی نسخه برای حاشیه‌نویسی، اشاره کرده است. اورستی (۱۳۸۴-۱۳۸۵)، استفاده از این شیوه (مورب نویسی) را در نسخ نگاره دار مطرح نموده و علت آن را، تمایل به استفاده صرفه‌جویانه‌تر از صفحات و بکارگیری آن قبل از نگاره‌ها را امری تعمدی دانسته است.

## روش تحقیق

این مقاله به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات لازم برگرفته از منابع کتابخانه‌ای و آثار مشاهده شده می‌باشد. تحقیق در بستر تاریخی و از طریق مشاهده نمونه‌ها صورت گرفته است. نمونه‌گیری از طریق مراجعه به نسخه‌های اقدم برخی کتابخانه‌ها همچون: کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، موزه و کتابخانه ملی ملک، کتابخانه دیجیتال ملی فرانسه، کتابخانه دیجیتال سلطنتی برلین و کتابخانه بریتانیا، انجام شده است.

## بخش اول: مورب نویسی در داخل متن

یکی از مکان‌هایی که مورب نویسی به صورت بسیار متنوعی در آن بکار برده شده است، در داخل متن است. با نگاهی به سیر

این مقاله، آیین مورب‌نویسی در داخل جداول علمی، در قدیم‌ترین نسخه‌های علمی تاریخ‌دار از قرن چهارم دیده می‌شود و تا متأخرترین نسخه‌های علمی (به خصوص نسخه‌های نجومی) همچنان ادامه یافته است (برای مشاهده نمونه‌های متأخر نسخ نجومی نک: زیج سلطانی شماره ی ۳۹۴۶ کتابخانه مجلس، زیج‌های ایلخانی، شماره ی ۱63 persan، کتابخانه ملی فرانسه و زیج ناصری، شماره ی ۳۴۱۱ کتابخانه ملک). در این جداول، مورب‌نویسی‌ها در عین کاربردی بودن، از صفت زیبایی نیز بی‌بهره نبوده‌اند و کتابت نوشته‌ها با رنگ‌های مختلف و به شیوه مورب، باعث شکل‌گیری ترکیب‌بندی‌هایی بسیار زیبا و پویا در این جداول شده است. این ترکیب‌بندی‌ها، مانع یکنواختی و کسالت بار بودن نسخه‌ها شده‌اند.

در برخی از نسخه‌های علمی، مورب‌نویسی‌های داخل جداول با دیگر آرایه‌های تزئینی همراه شده و در نهایت، چنان ترکیب‌بندی‌های پویا و زیبایی ایجاد شده است که مخاطب، علی‌رغم درک نکردن مطالب داخل جداول، تحت تأثیر زیبایی فرمی صفحات قرار می‌گیرد. برای مثال کتاب التریاق (شماره ی 2964 arabe، فرانسه، ۵۹۵ق) از نمونه‌های نادر، از لحاظ میزان حجم تزئینات در یک نسخه علمی (گیاه‌شناسی) است. در این نسخه، علاوه بر جداول علمی مورب‌نویسی شده، مدورنویسی<sup>۶</sup> نیز به شکل بسیار ممتازی دیده می‌شود. از مهم‌ترین امتیازات این نسخه، استفاده از تزئینات بسیار در داخل متن اصلی است. جدول‌کشی نیز در تمامی صفحات این کتاب دیده می‌شود که با توجه به تاریخ نسخه (۵۹۵ق)، وجود این آرایه نیز خود از علل تمایز این نسخه از دیگر نسخ است. از دیگر ویژگی‌های این نسخه، استفاده از خطوط کوفی تزئینی بسیار زیبا برای سر فصل‌ها و خط نسخ برای متن است. علاوه بر این، بکاربردن رنگ‌های متنوع برای

خطوط کوفی، باعث جذابیت دوچندان این نسخه شده است. استفاده از سطر بندی‌های بسیار متنوع در اغلب صفحات این نسخه، موجب پدید آمدن ترکیب‌بندی‌های بسیار پویا و در نتیجه باعث گردش مداوم چشم در داخل صفحات شده است (تصویر ۲). در کتب طبی هم گاهی خواص گیاهان و داروها را در جدول می‌آوردند و مورب‌نویسی مکرر آنها باعث می‌شد که کل صفحه نظام بصری خوشایندی پیدا کند. این کار در در صفحه ۴۰۹ در بخش رساله طب در سفینه تبریز (شماره ی ۱۴۵۹۰، مجلس، ۷۲۳-۷۲۱ق)، با استفاده از دو رنگه‌نویسی به زیبایی انجام شده است. در کتاب تقویم‌الابدان (شماره ی 2947 arabe، فرانسه، ۵۴۷ق) اثر ابوعلی یحیی بن عیسی معروف به ابن جزله نیز که نسخه‌ای است با موضوع طب، در برخی از جداول آن، بخشی از خانه‌های جدول، با چندین سطر نوشتار مورب پُر شده است. در حوزه ریاضیات، می‌توان به لب الحساب (شماره ی ۵۲۱۳، دانشگاه تهران، سده ۷ و ۶ق) اشاره کرد. در این نسخه علاوه بر جداول، در صفحه فهرست نیز، از مورب‌نویسی استفاده شده است. در رساله ریاضی ابوسهل قوهی (شماره ی 4821، فرانسه، ۵۴۳ق)، باز هم در داخل جدول انتهایی نسخه، از مورب‌نویسی برای نگارش عنوان‌ها کمک گرفته شده است. در کتاب قانون مسعودی، که دانشنامه‌ای است تألیف ابوریحان بیرونی در نجوم، جداول علمی و هنری زیبایی مشاهده می‌شود (شماره ی 6840 arabe، فرانسه، ۵۰۱ق) کتابت شده در اصفهان). مورب‌نویسی این نسخه، با آنچه در روضه‌التمجین کتابخانه مجلس و دیوان خواجهوی کتابخانه ملک صورت گرفته، قابل قیاس است. در نسخه قانون مسعودی، نه تنها کلمات و عبارات، که حتی حروف ابجد جدا از هم، در جداول به گونه‌ای نوشته شده‌اند که مورب به نظر بیایند. از دیگر نسخه‌های متقدم، نسخه‌ای از کتاب تحقیق مالهند است که در صفحه ۷۶ این نسخه (شماره ی 6080 arabe، فرانسه،



تصویر ۲- بازگویی مورب‌نویسی و چند رنگه‌نویسی در صفحه ۱۸ کتاب التریاق، مورخ ۵۹۵ قمری. مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، شماره 2964 arabe



تصویر ۱- مورب‌نویسی در جدول صفحه ۷۲ رساله ریاضی، مورخ ۳۵۸ قمری. مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، شماره 2457 arabe



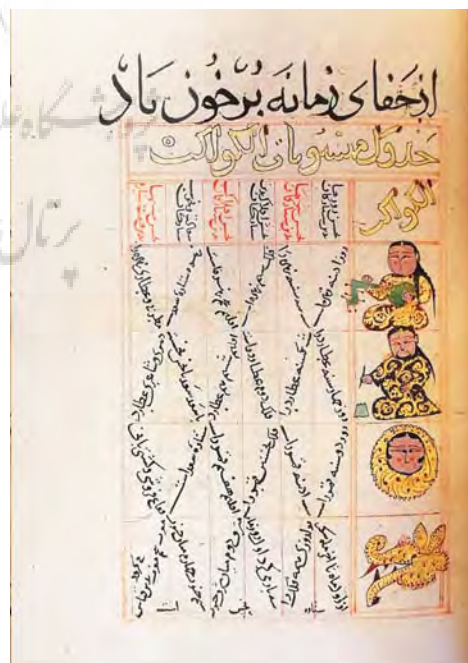
نگهداری می‌شود (شماره ی ۷۳۰، آمریکا، سده ۷ق). در این رساله نیز همچون دیگر نسخه‌های علمی، مورب نویسی‌های هنری دیده می‌شود (میکروفیلم، ۵۰۹۷، دانشگاه تهران). جداول علمی موجود در همگی این نسخه‌ها، نه تنها کاربردی بوده و به دسترسی اطلاعات دسته‌بندی شده آن نسخ کمک می‌کنند، بلکه توجه به زیبایی شناسی در این نسخه‌ها، بیانگر میزان ذوق و هنر سرشار کاتبان آنها نیز هست.

### ب. مورب نویسی در نسخه‌های ادبی

همچنان که مورب نویسی در داخل جداول علمی، راه تکامل خود را می‌پیماید، از اواخر قرن ششم به کتب ادبی نیز راه پیدا می‌کند. مورب نویسی در داخل متون ادبی، به تبعیت از جداول علمی، با مورب نویسی تک‌کلمات آغاز شده است. یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های ادبی که در آن مورب نویسی بکاربرده شده است، دیوان خاقانی، متعلق به اواخر قرن ششم است (نسخه شماره ۹۷۶، کتابخانه مجلس، اواخر سده ۶ق). در این نسخه، علاوه بر برخی عنوان‌ها چون "مطلع دوم" و یا "صفت آفتاب" و یا "غزل" که به صورت مورب و با رنگ قرمز در داخل متن کتاب، کتابت شده‌اند، در بعضی صفحات نیز قافیه‌ها و ردیف‌ها نیز به صورت مورب و به رنگ سیاه کتابت شده‌اند.

در مجموعه‌ای ادبی (میکروفیلم شماره ۴۰۲۵، دانشگاه تهران، ۶۹۸ق) نیز مشاهده می‌شود که کلمات فاصل<sup>۹</sup> به صورت مورب در متن کتابت شده‌اند. نگارش این کلمات، در سده‌های پیش از این نیز مرسوم بوده و لیکن این کلمات به صورت افقی نوشته می‌شدند و نه مورب. لذا به نظر می‌رسد، مورب نویسی این کلمات، تمهیدی بوده برای بهتر دیده شدن آنها در صفحات. مورب نویسی تک‌کلمه‌ای همچنان در آغازین سال‌های سده هشتم نیز، در نسخه‌ای از کلیله و دمنه (نسخه‌ی شماره‌ی Or 13506، بریتانیا، ۷۰۷ق) مشاهده می‌شود. در این نسخه، کلمه‌هایی مثل "بیت" که با طلا نوشته شده‌اند، با مرکب سیاه محرر شده و به صورت مورب نگارش شده‌اند. در اوایلین سال‌های قرن هفتم، شاهد بروز و ظهور سبکی خاص در نحوه کتابت متون منظوم هستیم، سبکی که به صورت تفتنی و پراکنده پیش از این در دیوان خاقانی بکاربرده شده است. نگارشی که به نظر می‌آید در آن، نمایش قافیه‌ها و ردیف‌ها از اهداف کاتب بوده است. در این نسخ، قافیه‌ها، اعم از این که یک کلمه باشند و یا یک حرف (البته چنانچه منفصل باشند و مشترک)، و در بعضی از مواقع صرفاً کلمات هم‌وزن، در مصرع‌های زوج مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این شیوه، فاصله‌ای میان قافیه‌ها و یا ردیف‌ها با دیگر اجزای مصرع گذاشته شده است. ضرورت معرفی این شیوه در این بخش از آن روست که در بعضی از این دیوان‌ها، این کلمات و یا حروف به شیوه مورب نگارش شده‌اند. علاوه بر مورب نویسی، همچنین کاتب با چندرنگه نویسی این کلمات و یا حروف، موجب نمایش هرچه بهتر این قوافی و یا ردیف‌ها شده است. با توجه به نمونه‌های مشاهده شده، این شیوه تا اواسط قرن هشتم امتداد یافته‌است. دیوان خواجو (شماره‌ی ۵۹۸۰، ملک، ۷۵۰ق)، شاید از نفیس‌ترین نسخی باشد که بدین شیوه

۵۵۴ق)، مورب نویسی‌ها، موجب ایجاد فرم‌هایی شده‌اند. این نسخه، دارای جداول علمی متعددی است<sup>۷</sup>. از دیگر نسخه‌های علمی می‌توان به کتاب اغراض طبی، تألیف اسماعیل بن حسین جرجانی (شماره ی ۶۰۹۵، مجلس، سده ۷ق) نیز اشاره کرد. در میان نسخه‌های علمی جدول دار (جداول علمی)، بیشترین تعداد نسخه، به نسخ نجومی اختصاص دارد. زیج ریقانی (شماره ی 6913arabe، فرانسه، ۴۸۸-۴۷۸ق) و التفهیم لاولل صناعه التنجیم ابوریحان بیرونی (شماره‌ی ۲۱۳۲، مجلس، ۵۳۸ق)، از قدیمی‌ترین نسخ نجومی دارای مورب نویسی هستند. همچنین در قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود از کتاب روضه المنجمین نوشته ابوالخیر رازی نیز، مورب نویسی دیده می‌شود. از دیگر نسخه‌های این کتاب، نسخه موجود در کتابخانه رضوی (شماره ی ۱۲۰۱۰، رضوی، سده ۶ق) و کتابخانه مجلس (شماره ی ۶۳۹۰، مجلس، سده ۶ق) است. نسخ نجومی با عنوان‌هایی چون: هیأت میکروفیلم<sup>۸</sup> شماره ی ۲۶۲، دانشگاه تهران، سده ۶ق) و زیج نیز بسیار استنساخ شده‌اند که همگی دارای جداول مورب نویسی شده هستند. از زیج‌های دوران ایلخانی، می‌توان به زیج ایلخانی (شماره‌ی 1513, persan 163، فرانسه، ۶۸۷ق) اشاره کرد. مجموعه‌ای در احکام نجوم و اختیارات، منسوب به علی شیروانی موجود در دارالآثار کویت (شماره، Inv. no. lns 270ms، کویت، ۶۱۵ق)، از دیگر نسخ علمی و نفیس جدول دار است (تصویر ۳). امتیاز این نسخه نسبت به دیگر نسخ، قرار گرفتن نگاره و مورب نویسی به صورت هم‌زمان و در جوار یکدیگر در داخل یک جدول است. از جمله رسالات مهم در زمینه تألیفات موسیقی، بی‌شک رساله شرفیه اثر صفی‌الدین ارموی است. نسخه‌ای نفیس از این رساله که به خط مولف است، هم اکنون در دانشگاه بیلی آمریکا



تصویر ۳- بکاربردن مورب نویسی و نگاره در مجاورت یکدیگر در یک نسخه نجومی، مورخ ۶۱۵ قمری.

است. برای مثال در قرآن‌های مترجم (ترجمه دار)، ترجمه لفظ به لفظ در ذیل هر کلمه نوشته می‌شد و غالباً چون ترجمه فارسی بیش از متن عربی نیاز به فضا داشته، از این رو یکی از تمهیدات نظام نوشتار در قرآن‌های اولیه نیز، مورب‌نویسی ترجمه‌های قرآنی است. برای پژوهش بیشتر در این زمینه، لازم است نسخه‌های تاریخ‌دار قرآن‌های مترجم، از سده‌های چهارم و پنجم بررسی شوند. مورب‌نویسی در داخل متن، علاوه بر ایجاد تنوع و زیبایی در صفحه‌آرایی نسخ خطی، کاربرد دیگری نیز داشته چنانچه اورستی، یکی از پرتکرارترین مکان‌های مورب‌نویسی در نسخه‌های بعد از سده هشتم را، مورب‌نویسی داخل متن کتاب و قبل از نگاره‌های کتاب دانسته است. به این ترتیب که کاتب توانسته است فاصله‌های موجود بین بیاض و یا موضوع را، با محل قرارگیری نگاره تنظیم کند (اورستی، ۸۵-۱۳۸۴، ۴۶-۴۵). روند مورب‌نویسی در متون بعد از قرن نهم، منجر به شکل‌گیری نگارش چلیپایی هنرمندانه در نسخ می‌شود. برای مثال نسخه‌هایی از کتاب چهل حدیث با ترجمه منظوم جامی در کتابخانه ملک موجود است که در هر صفحه، ترجمه‌های منظوم به صورت مورب و هنری و به خط نستعلیق در میان سطور متن اصلی کتابت شده‌اند که از آن جمله، نسخه‌های چهل حدیث (شماره ی ۵۹۱۶، ملک، ۹۶۸ ق) به خط محمود نیشابوری و (شماره ی ۵۹۳۱، ملک، ۹۸۶ ق) به خط حاجی محمود، قابل ذکرند. پس از این مرحله، چلیپانویسی در سده دهم قمری با دو تا چهار بیت به شکل مورب در قطعات خوشنویسی پدید می‌آید.

### بخش دوم: مورب‌نویسی در حاشیه

در اغلب نسخ، میزان گستردگی حاشیه در بالا و پایین و سمت بیرونی متن، بیشتر از قسمت داخلی (یعنی فاصله میان شیرازه یا عطف صفحه با متن) است و ساده‌ترین استدلال برای وجود

کتابت شده است (تصویر ۴). دیوان عطار (شماره ی ۲۶۰۰، مجلس، ۷۰۷-۶۸۸ ق) نیز دارای این روش از مورب‌نویسی‌هاست. در اوایل قرن هشتم، مورب‌نویسی از مرز حروف و تک کلمات گذشته و مورب‌نویسی ابیات آغاز می‌شود و از پی آن، سنگ‌بنای شکل‌گیری ساختارهای متنوع سطراندازی متون منظوم گذاشته می‌شود. قدیمی‌ترین نمونه‌ای که بدین شیوه کتابت شده، نسخه‌ای است از کلیات سعدی (شماره ی ۲۵۶۹، مجلس، ۷۲۱ ق). در این نسخه، دو بیت (در پایان بخشی از کتاب) به صورت هنری، مورب‌نویسی شده است. نحوه مورب‌نویسی این دو بیت، نشان از تأثیر مورب‌نویسی جداول علمی دارد؛ زیرا یک مصرع به طرف پایین نوشته شده و مصرع دوم، از محل اتمام مصرع اول به سمت بالا نوشته شده است (تصویر ۵). در نیمه دوم قرن هشتم، تعداد ابیات مورب‌نویسی شده افزایش یافته است به طوری که در دیوان سیف اسفرنکی (شماره ی ۸۹۰، کتابخانه گنج‌بخش، ۷۵۴ ق) نیز در انتهای کتاب، چند صفحه مورب‌نویسی و متقاطع‌نویسی ابیات صورت گرفته است. پس از آن، خمسه‌ای از نظامی کتابت شده (شماره ی ۵۸۰ Persan، فرانسه، ۷۶۶ ق) که در آخرین صفحه آن، هشت بیت مورب‌نویسی شده است. نکته قابل تأمل آن است که در هر سه مورد شناسایی شده، مورب‌نویسی‌ها در بخش‌های پایانی صورت گرفته‌اند. در شاهنامه (شماره ی ۵۹۹۴، ملک، سده ۸ ق) مورخ قرن هشتم، مورب‌نویسی در حجم بیشتری به کار برده شده است. در چهارده صفحه از این شاهنامه<sup>۱</sup>، مورب‌نویسی دیده می‌شود. ویژگی‌ای که این نمونه را از دو نمونه قبلی متمایز می‌کند، یکی افزایش قابل توجه میزان حجم مورب‌نویسی در این نسخه و دیگری استفاده از مورب‌نویسی به صورت متقاطع در داخل متن است. این ویژگی که کاملاً یادآور جداول علمی است، به ندرت بعدها در نسخ ادبی مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۶). مورب‌نویسی، علاوه بر نسخه‌های خطی ادبی، در قرآن‌ها هم بکار گرفته شده

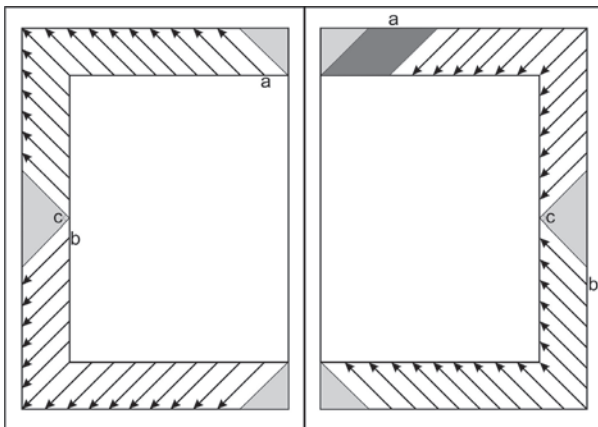


تصویر ۵- آغاز مورب‌نویسی ابیات، صفحه ۹۱ کلیات سعدی، مورخ ۷۲۱ قمری. مأخذ: (کتابخانه مجلس، کلیات سعدی، شماره ۲۵۶۹)



تصویر ۴- نمایش قوافی به کمک مورب‌نویسی و چندرنگه‌نویسی در صفحه ۱۴، دیوان خواجو، مورخ ۷۵۰ قمری. مأخذ: (کتابخانه ملک، شماره ۵۹۸)

نسخه، بخش کوچکی از صفحه به متن اصلی اختصاص داده شده و دو حاشیه برای آن در نظر گرفته شده است. حاشیه اول به صورت افقی کتابت شده و حاشیه دوم به صورت مورب در پیرامون آن کتابت شده است. از دیگر نمونه‌ها می‌توان *جُمَل الفلسفه* را نام برد (شماره ی ۱۹۱۸، اسعدافندی، ۵۲۹ق) که در بعضی از صفحات، حواشی از پایین به سمت بالا کتابت شده‌اند. در مورد این گونه از متون که غالباً متون دینی و شرعی هستند، دستورالعمل‌هایی هم برای نحوه نوشتن حاشیه مطرح شده است. مثلاً ابن جماعه، مؤلف کتاب *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*، می‌گوید: حاشیه‌نویس باید برای نوشتن به سمت بالای صفحه حرکت کند<sup>۱۳</sup> و استدلال او این است که برای نوشتن حاشیه‌های بعدی، جایی وجود داشته باشد (ابن جماعه، ۱۹۵۰، ۱۳۳). همچنین یاقوت حموی، از تنگی فضای حاشیه برای نوشتن برخی توضیحات در نسخه‌ها یاد کرده است که گاهی باعث می‌شد، حاشیه خود یک کتاب مستقل شود (یاقوت حموی، ۱۹۹۳، ۳۳۲). در مورد متون شرعی و دینی گاهی حاشیه‌ها متعدد می‌شد و حاشیه بر حاشیه و شرح بر حاشیه در متن نسخه آمده و تقریباً تمام صفحه سیاه می‌شد<sup>۱۴</sup>. در برخی از حاشیه‌نویسی‌ها، در صورتی که میزان حجم نوشته زیاد نبوده، اغلب از نگارش به شیوه مورب و متقاطع استفاده شده است. به عنوان نمونه در نسخه خطی (شماره ۱۲۰۹، ترکیه کتابخانه کوپرولو، ۴۴۷ق) این سبک از حاشیه‌نویسی، بکار برده شده است. این نسخه، مجموعه‌ای است از یک اثر از ابن سبکیت به نام *اصلاح المنطق و اثری از ابن مسحل* به نام *النوادیر* به خط علی ابن عبیدالله الشیرازی که به سال ۴۴۷ق کتابت شده است. در این نسخه، کاتب اختلافات قرائت را در حاشیه به شکل مورب و متقاطع و البته بدون رعایت ساختاری مشخص، کتابت کرده است<sup>۱۵</sup>. همین شیوه در نسخه‌ای از *مقامات حریری* (شماره ی 5847 arabe، فرانسه، ۶۳۴ق) و در مجموعه‌ای ادبی (میکروفیلم شماره ۴۰۲۵، دانشگاه تهران، ۶۹۸ق) نیز، دیده می‌شود. سفینه تبریز، دیگر نسخه‌ای است که در بعضی از صفحات آن، مورب‌نویسی‌های متقاطع و نامنظم مشاهده می‌شود (شماره ی ۱۴۵۹۰، مجلس، ۷۲۱-۷۲۳ق). البته این نسخه، از ساختار صفحه‌آرایی خاصی پیروی نکرده و کاتب، سعی



تصویر ۷- الگوی صفحه‌آرایی در نسخه‌های متن و حاشیه، سده نهم قمری.

حاشیه گسترده در بخش بیرونی هر صفحه، حفاظت از متن و نوشته است. نگارش متون در حاشیه، همواره محدودیت‌هایی را برای کاتب به همراه داشته است، هم از جهت روند کتابت، که متن چگونه پشت سر هم و بدون گسست در حاشیه نوشته شود و هم از جهت مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی نظام صفحه‌آرایی که نگارش حاشیه، زیبایی کلی صفحه را مخدوش نسازد. چون نگارش در حاشیه به دو شکل هنری و غیرهنری انجام می‌شده است، این بخش در دو دسته طبقه‌بندی شده است:

الف. حاشیه‌نویسی‌های غیر هنری

ب. حاشیه‌نویسی‌های هنری

**الف. حاشیه‌نویسی‌های غیر هنری:** در شکل نگارش غیر هنری، حاشیه‌نویسی‌ها در اصطلاح به نکات تکمیلی، تصحیحی، انتقادی و یا توضیحی و تفسیری یک متن گفته می‌شود و به عبارتی یک جمله یا یک کلمه از متن را در حاشیه، تحشیه / حاشیه‌نویسی<sup>۱۶</sup> می‌کنند. اغلب این‌گونه حاشیه‌نویسی‌ها، بدون رعایت مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی همچون: خط خوش، ترکیب بندی و سطر بندی و صفحه‌آرایی، انجام می‌شدند. گاهی برای حاشیه‌نویسی، از کاتب خواسته می‌شد تا به هنگام مسطراندازی، از بلندی سطر از هر دو سو بکاهد تا مقدار فضای باز در حاشیه صفحه آنقدر باشد که دارنده نسخه بتواند مطالب دلخواه خود را در آنجا بنویسد (افشار، ۱۳۸۹، ۳۷). در این نوع از حاشیه‌نویسی‌ها، همواره مطالب حاشیه با مطالب متن مرتبط است و به اصطلاح، حواشی، تابعی از متن اصلی هستند. اهمیت نسخه‌هایی این‌چنینی، وقتی که تصحیح و یا حاشیه به خط مؤلف یا نزدیک به تاریخ حیات مؤلف باشد، زیاد می‌شود. از این نوع حاشیه‌نویسی‌ها می‌توان به تفاسیر و شرح‌های متون دینی و فلسفی اشاره کرد. برای مثال نسخه ابانه (شماره ی ۲۳۵ مجموعه امام خویی، مجلس، قرن ۸) که شامل حاشیه و شرح بر حاشیه است، به خوبی این مسئله را روشن می‌سازد. در این



تصویر ۶- استفاده از مورب‌نویسی متقاطع در متن، صفحه ۱۳، شاهنامه فردوسی، مورخ قرن ۸ قمری.

مأخذ: کتابخانه ملک، شماره ۵۹۹۴)



در استفاده حداکثری از کاغذ داشته تا جایی که در برخی صفحات، اشعار در هشت ستون تحریر شده و از هر فضایی برای نوشتن متن استفاده شده است. این نسخه‌ها نشان می‌دهند که حاشیه نویسان، به ایجاد مثلث با کمک نوشتار تمایل داشته‌اند و سعی کرده‌اند در صورت امکان (خصوصاً در بخش لبه خارجی) نوشته‌ها، مثلث شکل نوشته شوند.

**ب- حاشیه نویسی های هنری:** چنانچه در حاشیه نویسی نسخه‌ها از خطوط با معیارهای خوشنویسی استفاده شود و شکل سطر بندی و صفحه‌آرایی آن در راستای آرایش و زیبا ساختن کل صفحه باشد، آن حاشیه نویسی، هنری قلمداد می‌شود. یکی از عواملی که باعث می‌شد حاشیه نویسی در یک نسخه به صورت هنری اتفاق بیافتد، فراموش کردن عبارتی توسط کاتب در هنگام کتابت بوده، که در نتیجه، کاتب آن عبارت را بعد از پایان کار، به شکلی هنری و با سلیقه خود در حاشیه می‌افزوده است. تصمیم کاتبان مبنی بر کتابت یک متن مستقل و کامل در حاشیه نسخه‌ها، از دیگر عواملی است که باعث شکل‌گیری حاشیه نویسی‌های هنری در نسخه‌ها شده است. از آنجا که حاشیه نویسی‌های هنری نسخه‌ها، خود دارای تفاوت‌هایی از لحاظ ساختاری با یکدیگر هستند، می‌توان حاشیه‌های هنری در نسخه‌ها را نیز با توجه به میزان اسفاده از فضای حاشیه، به دو بخش تقسیم نمود:

ب-۱: نگارش مورب در تمام فضای پیرامونی متن<sup>۱۵</sup>

ب-۲: نگارش مورب، تنها در حاشیه کناری متن

**ب-۱: نگارش مورب در تمام فضای پیرامونی متن:** این شیوه از نگارش، همواره مشکلاتی به همراه داشته است، چرا که نگارش متن در حاشیه، در اغلب موارد همچون نسخه‌های لاتین، موازی و در ادامه سطرهای متن انجام نمی‌شده، چرا که در این صورت مشکلی برای کتابت ایجاد نمی‌شده است. مشکل زمانی نمودار می‌شود که حاشیه نویسی به صورت زاویه دار، و نه افقی صورت بگیرد. در هنگام نگارش متن در حاشیه به صورت مورب، کتابت متن در بالا و سمت بیرونی صفحه بدون مشکل پیش می‌رود، اما هنگامی که کتابت به بخش سوم یا همان حاشیه‌ی پایینی می‌رسد، ادامه راه با مشکل مواجه خواهد شد و ادامه دادن نوشته به صورت پیوسته، غیرممکن می‌شود. از این رو در نسخه‌هایی که پیش بینی این امر نشده، کاتب در نگارش به مشکل برخوردیده است، برای مثال در رساله عقل نامه (میکروفیلم شماره ی ۲۰۶۹، دانشگاه، سده ۱۲ یا ۱۳ق) موجود در کتابخانه دانشگاه تهران، به دلیل استفاده نکردن از لچکی، نگارش متن در حاشیه به طور پیوسته کتابت نشده است.

جدول ۱- مقایسه میزان زاویه C در چند نسخه متن و حاشیه دار.

با نگاهی به نسخه‌هایی که دارای حاشیه نویسی‌های هنری هستند، تدبیر کاتبان و با جدول کشان، برای حل این مشکل آشکار می‌شود. آنان این مشکل را با قراردادن یک مثلث و یا همان لچکی در میانه ستون عمودی حل نموده‌اند. با قرار دادن این لچکی در وسط حاشیه کناری صفحه، فرصتی را برای تغییر دادن جهت نگارش، فراهم آورده‌اند که در نتیجه این تدبیر، نگارش به صورت پیوسته و بدون مشکل در تمام فضای پیرامونی متن می‌تواند انجام شود. روش کار در صفحه سمت راست بدین صورت است که: کتابت از نقطه a در جهت بالا به پایین آغاز شده تا لچکی ادامه می‌یابد، و پس از لچکی، کتابت از نقطه b شروع شده و از سمت پایین به بالا تا انتهای صفحه پیش می‌رود. جهت‌ها در صفحه‌ی سمت چپ، عکس صفحه راست است (تصویر ۷).

در میان نمونه‌های موجود، صفری آق قلعه، مجموعه ادبی (شماره ۱۵۸۹، کوپولو، ۷۵۴-۷۵۶ق) را، قدیمی‌ترین نسخه در این زمینه می‌داند (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰، ۲۵۷). در این مجموعه، کتاب مقامات حریری در متن نگارش شده و کتاب اطباق الذهب در حاشیه (برای تصویر نک: صفری آق قلعه، ۱۳۹۰، ۴۹۸). در این حاشیه نویسی‌ها، چندین عامل متغیر وجود دارد. یکی از متغیرها، میزان زاویه C است چرا که با کوچک و بزرگ شدن این زاویه، طول ساق‌های مثلث تغییر کرده و در نتیجه آن، طول سطور در حاشیه نویسی‌ها کوتاه و بلند شده و به عبارتی با طول ابیات و یا نوشته‌ها متناسب می‌شود. پس به نوعی میزان زاویه C را تا حد زیادی نوع متن (میزان بلندی و کوتاهی متن) تعیین می‌کرده است. مثلاً قصیده با داشتن مصرع‌های بلندتر نسبت به مثنوی، باعث بزرگتر شدن زاویه‌ها شده است. اندازه‌گیری زاویه C در بعضی از این نسخ، این امر را تأیید می‌کند (جدول ۱).

علاوه بر تغییرات زاویه‌ای، مساحت لچکی، در نسخ مختلف نیز دچار تغییراتی شده است؛ چنانچه در کلیات عطار (میکروفیلم شماره ی ۱۰۴، دانشگاه، ۸۲۸ ق)، مثلث و لچکی مورد صحبت، به میزان بسیار چشمگیری کوچک شده است. مکان قرارگیری لچکی نیز همواره ثابت نبوده و الزاماً در وسط حاشیه کناری قرار نگرفته است. برای نمونه در دیوان قاسم انوار<sup>۱۶</sup> (شماره ی Ms. or. oct. ۲۱۵۰، برلین، ۸۰۰ ق)، این لچکی در بعضی صفحات به پایینترین و در بعضی دیگر به بالاترین قسمت حاشیه کناری انتقال یافته است (تصویر ۸).

در نمونه‌های متأخرتر برای مثال در کلیات سعدی (شماره ی Cod. Pers. Add. ۲۴، دانمارک، احتمالاً سده‌های ۱۳ و ۱۲) در

نام نسخه	شماره	محل نگهداری	ماخذ تصویر	تاریخ کتابت	اندازه زاویه C
مجموعه ادبی	۱۵۸۹	کوپولو (ترکیه)	صفری آق قلعه، ۴۹۸، ۱۳۹۰	۷۵۴-۷۵۶ ق	۹۰
جنگ رسائل	۱۹۵	دانشگاه تهران (ترکیه)	فایل نسخه	۷۵۴-۸۱۱ ق	۷۸
مجموعه دواوین	۱۶۸	حالت افندی (ترکیه)	حسینی، ۱۳۹۳، نسخه شماره ۱۶۸	۸۴۳ ق	۸۸
مجموعه دواوین	۱۵۸	حالت افندی (ترکیه)	حسینی، ۱۳۹۳، نسخه شماره ۱۵۸	سده ۹ ق	۸۰



متن حاشیه‌ای اختصاص داده‌است و در داخل لچکی نوشته‌است. در هشت صفحه از این نسخه، علاوه بر حاشیه‌نویسی‌های هنری، خود متن نیز به صورت شیوه سه ستونی (دو ستون افقی و یک ستون مورب) سطراندازی شده است و هر سه ستون، به یک متن واحد اختصاص دارد. نکته مهم در این صفحات، ترتیب نگارش متن و تمهیدی که کاتب برای کمک به خوانش متن بکار گرفته، است. کاتب از لچکی پایین ستون مورب در صفحه سمت راست، برای راهنمایی چگونگی خوانش متن استفاده کرده‌است. با انتخاب این لچکی، کاتب مشخص نموده که ستون مورب در صفحه سمت راست، علی‌رغم اینکه ستون اول است و لیکن در هنگام خوانش بعد از اتمام دو ستون افقی خوانده می‌شود و از طرفی با توجه به رکابه مشخص می‌شود که متن ستون مورب صفحه سمت راست، در اولین ستون افقی صفحه سمت چپ، ادامه می‌یابد و در نتیجه در هر صفحه، ابتدا می‌بایست ستون‌های افقی پشت هم خوانده شده و بعد از اتمام آنها، ستون مورب کنار آنها خوانده شود (تصویر ۹). نحوه خوانش متن در کتابت‌های سه ستونی را، رایت نیز همراه با طرحی شماتیک توضیح داده است (Wright, 2012, 131). نسخه‌ای از کتاب مقامات حریری (شماره ی 3925 arabe، فرانسه، سده ۶ ق) متعلق به قرن ششم، در کتابخانه فرانسه موجود است که در آن حاشیه‌نویسی‌ها، رنگ و بویی از حاشیه‌های هنری دارند و لیکن با توجه به اینکه تاکنون گزارشی مبنی بر کاربرد این شیوه از نگارش قبل از قرن هشتم داده نشده و یا نسخه‌ای دیده نشده، لذا احتمالاً حاشیه‌ها بعدها به نسخه اضافه شده‌اند. از این رو در هنگام بررسی نسخ حاشیه‌نویسی شده، هم‌زمانی حاشیه‌نویسی‌ها با خود متن می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. از دیگر نمونه‌های متقدم نسخه‌های متن و حاشیه شده هنری، مجموعه‌ای است (میکروفیلم شماره ی ۱۹۵، دانشگاه تهران) که تاریخ کتابت آن، بین سال‌های ۸۱۱-۷۵۰ ق است. از این سبک در قرن نهم (۵ ق) و پس از آن به کثرت استفاده شده است. برای نمونه می‌توان به اسکندرنامه بحری (Ms. or. quart. 1970، برلین، ۸۴۹ ق) و مجموعه دووین (شماره ی ۱۵۸، حالت افندی، سده ۹ ق) و ده‌ها نسخه دیگر اشاره کرد.

**ب- ۲: نگارش مورب، در حاشیه کناری متن:** این شیوه که به کتابت سه ستونی موسوم است، به گفته صفری آق قلعه، بعد از سده نهم شکل گرفته است (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰، ۲۵۸) و بیشتر در نسخه‌های منظوم بکار برده شده است. در این شیوه، هر صفحه دارای دو ستون افقی و یک ستون مورب برای نگارش است (تصویر ۱۰). بنابراین مشاهدات نگارندگان، این شیوه در حجم بسیار کمی (در حد چندین صفحه در یک نسخه)، قبل از قرن نهم نیز بکار برده شده است. در چند صفحه از نسخه (شماره ی ۱۷۶۴، ملک، ۷۲۵ ق) و در دو صفحه از نسخه (شماره ی ۱۴۱۷، مجلس، ۷۳۹ ق)، این شیوه بکار گرفته شده است در این صفحات، ابیاتی در دو ستون افقی در کنار هم نوشته شده و در ستون سوم است که ابیات به صورت مورب کتابت شده‌اند. در مجموعه سفینه تبریز (شماره ی ۱۴۵۹۰، مجلس، ۷۲۳-۷۲۱ ق) که بالغ بر دو بیست رساله

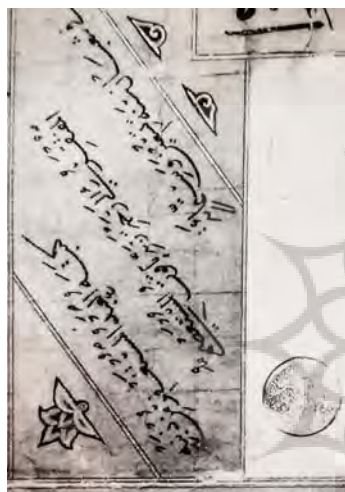
صفحه نخست نه تنها لچکی به پایین‌ترین قسمت ستون کناری انتقال یافته، بلکه به جای یک مثلث در حاشیه، از دو مثلث استفاده شده است (برای تصویر نک: 128، 2014، b00k2، Perho). مثلث سازی که ضرورت این‌گونه حاشیه‌نویسی‌ها بوده، به صورت تدریجی به یک عنصر تزئینی در نسخه‌های خطی مبدل شده است، تا آنجا که در نسخه‌های هنری متأخر، مانند مرقعات که حاشیه‌نویسی هم ندارند، این مثلث‌ها دیده می‌شوند. در برخی از نسخه‌هایی که دارای حاشیه‌نویسی‌های هنری هستند، از لچکی‌های موجود در حاشیه، استفاده‌های دیگری نیز می‌شده، مثلاً در برخی از این نسخ، کاتب، لچکی گوشه پایین صفحه سمت راست را مکانی مناسب جهت نگارش رکابه متن دانسته است. در نسخه‌ای از کلیات سعدی (شماره ی 22 Cod. Pers. Add، دانمارک، ۱۲۴۷ ق)، این شیوه بکار برده شده است. از آنجا که ادامه متن حاشیه‌ای، همچون متن اصلی، در صفحه بعدی نوشته می‌شود در نتیجه، نوشتن یک رکابه برای هر دو متن، در این گونه از کتب کفایت می‌کرده است (برای تصویر نک: 120، 2014، b00k2، Perho). تلاش برای خوانش صحیح متن، در جنگ اسکندر سلطان (شماره ی 27261 Add ms، بریتانیا، ۸۱۴ ق) که از جمله نسخ متن و حاشیه‌دار است، به خوبی مشهود است. رکابه‌نویسی به شیوه قدیمی (نوشتن در گوشه پایین صفحه سمت راست)، در تعدادی از صفحات این نسخه دیده می‌شود. این رکابه‌ها همگی به متن اصلی اختصاص دارند. در بعضی از صفحات هم به نظر می‌رسد که بر اثر پیرایش نسخه، رکابه‌ها از بین رفته‌اند. برای کم‌کردن خطای خوانش متن، در برخی از این کتاب که می‌بایست رکابه متن در داخل لچکی نوشته شود، به دلیل اینکه صفحه بعدی فقط حاشیه‌نویسی داشته و به جای متن، نگاره‌ای تمام صفحه را در برگرفته است، کاتب به ناچار برخلاف روند کل نسخه، رکابه را به



تصویر ۸- جابجایی محل قرارگیری لچکی در حاشیه، صفحه ۲۶، دیوان قاسم انوار، مورخ ۸۰۰ قمری.

مأخذ: (کتابخانه برلین، شماره Ms. or. oct. 2150)

توپقاپو، ۶۹۰ ق)، یاقوت مستعصمی در قطعه‌ای رقم خود را به صورت مورب نوشته است (تصویر ۱۱). غالباً مورب نویسی در رقم و تاریخ و انجامه قطعات صورت گرفته است. برای نمونه در قطعه‌ای دیگر از مرقع بایسنغر (شماره‌ی، fol. 45b H 2310، توپقاپو، ۷۴۳ ق) به خط ارغون کاملی (از شاگردان یاقوت) مورخ ۷۴۳ ق نیز، تاریخ به صورت مورب نوشته شده است (برای تصویرنگ: Roxburgh, 2005, 47). همچنین اگر سخن ریشار در مورد نسخه‌ی روضه الناظر و نزهه الخاطر (شماره‌ی arabe 3366، فرانسه، ۸۰۲ ق) که احتمالاً از روی نسخه‌ی یاقوت کتابت شده است (ریشار، ۱۳۸۳، ۷۰) صحیح باشد، از آنجا که در این نسخه، مورب نویسی‌های هنری دیده می‌شود، پس این احتمال می‌رود که در دیگر آثار یاقوت هم مورب نویسی وجود داشته است. اگر چه ممکن بوده که الزاماً مستسخان، شیوه



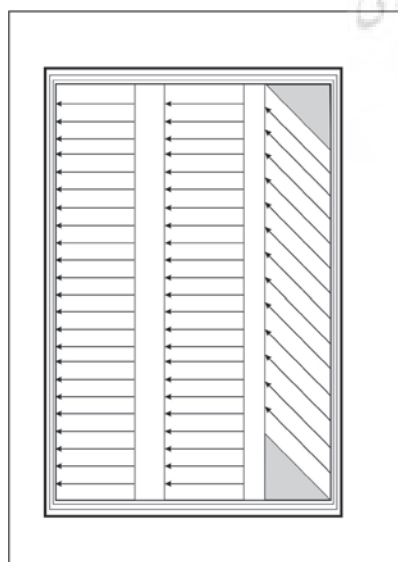
تصویر ۱۱- مورب نویسی در رقم قطعه‌ای به خط یاقوت مستعصمی در مرقع بایسنغر، مورخ ۶۹۰ قمری.

مأخذ: (Roxburgh, 2005, 78)

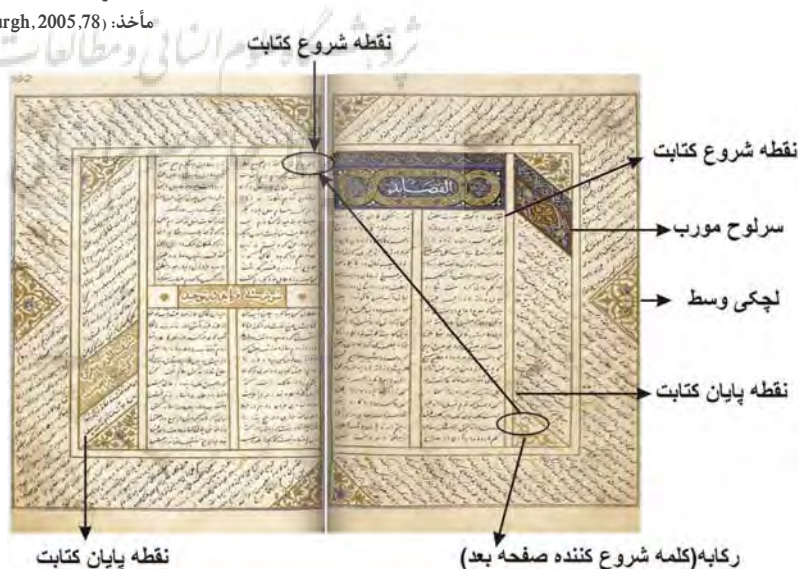
را در خود جای داده است هم، این شیوه در حجم بسیار کمی مشاهده می‌شود؛ با این تفاوت که این بار در یک صفحه، چهار ستون به صورت افقی کتابت شده و دو ستون در کنار هم در سمت چپ صفحه سمت چپ به صورت مورب. در صفحه‌ای دیگر از این نسخه، شاهد کتابت چهار ستون به صورت افقی و تنها یک ستون به شکل مورب هستیم. از نمونه‌های هنری و زیبای این‌گونه از صفحه‌آرایی، می‌توان به *جنگ اشعار* (شماره‌ی ۵۳۱۹، ملک، سده ۱۰هـ ق) اشاره کرد. در نسخه‌های بیاض چون قطع کاغذ اجازه نمی‌داد، حاشیه نویسی کمتر، اما مورب نویسی کل متن بیشتر دیده می‌شود. در *جنگ اشعار* (شماره‌ی ۵۱۱۵، ملک، سده ۱۱هـ ق) در قطع بیاض، نه تنها کل اشعار به صورت مورب کتابت شده است، بلکه در شش صفحه از این نسخه، متون نثر نیز به صورت مورب در دو ستون نگارش شده‌اند. کاتب در این نسخه، بخش بندی قسمت‌های مختلف اشعار (پایان یک بخش و شروع بخش بعدی) را از طریق تغییر جهت دادن سطور مورب نویسی انجام داده است. مورب نویسی در حاشیه، در سده‌های بعد تا حدی پیشرفت می‌کند که بخش حاشیه مورب نویسی شده، خود متن قلمداد می‌شود و بیاض دیگری برای آن در نظر گرفته می‌شود. در مجموعه‌هایی که پیش‌تر معرفی شد (شماره ۱۵۸۹ کتابخانه کوپریلی استانبول، ۷۵۴-۷۵۶ ق) و *جنگ اسکندر سلطان* (شماره‌ی Addms 27261، بریتانیا، ۸۱۴ ق) نیز بیاضی (در معنای کاغذ نانوخته بیرون متن) برای حاشیه‌های هنری در نظر گرفته شده است.

## بخش سوم: مورب نویسی در انجامه‌ها و قطعات

نگارش مورب در قطعات خوشنویسی قرن هفتم نیز دیده می‌شود. برای مثال در مرقع بایسنغر (شماره‌ی H 2310, fol. 102 b،



تصویر ۱۰- الگوی صفحه‌آرایی به شیوه سه ستونی در قرن نهم قمری.



تصویر ۹: نمایش نحوه کتابت به شیوه سه ستونی در متن و مورب نویسی در حاشیه با بکارگیری لچکی، صفحات ۱۰۳ و ۲۰۳، *جنگ اسکندر سلطان*، مورخ ۸۱۴ قمری. مأخذ: (کتابخانه بریتانیا، شماره Add ms 27261)

دیگر، نسخه معیارجمالی و مفتاح ابواسحاقی (شماره ی ۴۲۷، ترکیه، کتابخانه قاضی زاده محمد افندی، ۸۶ق)، کاتب شعری را در اعتدال از خطاهای کتابت نوشته و پس از انجمله به صورت مورب اضافه کرده است و به این شکل، بیاض پایان متن نسخه را پر کرده است (برای تصویر نک: حسینی، ۱۳۹۳، نسخه شماره ۴۲۷).

نگارش را کاملاً مطابق نسخه اصل رعایت نکردند. نمونه‌ای متفاوت از مورب‌نویسی، در مشارق الدراری الزهرفی کشف حقایق نظم الدرر (شماره ی ۶۷۱، ترکیه، کتابخانه راغب پاشا، ۸۴۳ق) مشاهده می‌شود. کاتب، انجمله را به صورت مورب از پایین شروع کرده است (برای تصویر نک: حسینی، ۱۳۹۴، نسخه شماره ۶۷۱) و در نمونه‌ای

## نتیجه

جداول نسخ علمی به صورت کاربردی و البته هنری بکار برده شده است و حاصل آن، شکل‌گیری جداول زیبای هنری با ترکیب بندی‌های نظام مند بوده است. نحوه‌ی ورود مورب‌نویسی از نسخ علمی به نسخ ادبی، در طی زمان و به صورت گام به گام صورت گرفته است. مورب‌نویسی در نسخ ادبی، از اواخر قرن ششم (ه.ق) با تک‌کلمات آغاز شده و سپس در مصرع‌ها و ابیات داخل متن، مورد استفاده قرار گرفته است. مورب‌نویسی در نهایت به صورت کل یک متن، در حاشیه و یا کل یک نوشته در داخل متن، بکار برده شده است. از این رو می‌توان گفت که، نسخ علمی الهام بخش مورب‌نویسی‌های بسیار زیبای هنری در نسخ ادبی بوده‌اند. مورب‌نویسی از قرن نهم و پس از آن به عنوان یک سبک، در کتب ادبی استفاده شده است، سبکی که در کمتر از نیم قرن پس از تولد خود در قرن هشتم، در قرن نهم صبغی هنری یافته و توانسته تا امروز در مسیر تکامل خود حرکت کند.

بررسی نسخه‌های متعدد نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در صفحه‌آرایی یک نسخه خطی، نحوه سطراندازی آن است و مورب‌نویسی به عنوان شیوه‌ای در سطراندازی، باعث ایجاد تغییرات بسیار مهمی در آن شده و در بخش‌های مختلفی از یک نسخه بکار برده شده است. استفاده از آن در داخل متن هر صفحه، موجب ایجاد تنوع و ممانعت از یکنواختی هر صفحه شده و بکارگیری آن در حاشیه، علاوه بر اینکه منجر به استفاده کامل و بهینه از تمامی فضای صفحه شده، بنیان‌گذار یک سبک جدید از نحوه چیدمان سطور در صفحات نیز شده است و پیرو استفاده از مورب‌نویسی در داخل صفحات، عناصر تزئینی جدیدی نیز به آرایه‌های تزئینی یک نسخه اضافه شده از آن جمله، می‌توان سرلوح مورب و مثلثی‌های تزئینی داخل متن را نام برد. مورب‌نویسی به عنوان یک شیوه در نحوه کتابت نوشتار، قرن‌ها پیش از آنکه در کتب ادبی مورد استفاده قرار گیرد، در

## پی‌نوشت‌ها

شماره فهرست میکروفیلم‌ها آورده شده است.  
 ۹ در کتاب‌آرایی نسخ خطی، اغلب در متون تلفیقی (نظم - نثر)، از کلماتی چون، بیت، شعر و مانند آنها، در جهت جداسازی نظم از نثر، استفاده می‌شده است.  
 ۱۰ در انجمله‌ی ابن شاهنامه، تاریخ ۶۰۰ دیده می‌شود که با توجه به نوع خط و صفحه‌آرایی آن، نسخه به احتمال بسیار زیاد متعلق به سده هشتم است.  
 ۱۱ محشی: در نظام نسخه‌شناسی به نسخه‌ای که معلق باشد به توضیحات مربوط به متن، که در حاشیه نسخه کتابت شده است (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۷۹).  
 ۱۲ (و نیز نک: ابن الصلاح، ۱۹۸۶، ۲۰۰-۱۹۳).  
 ۱۳ برای تفاوت‌های شرح و حاشیه نک: به حاشیه‌نویسی در دانشنامه جهان اسلام جلد ۱ (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ۵۷۰۲).  
 ۱۴ برای تصویر نک: مقدمه النوادر (ابن مسحل، ۱۹۶۱، ۱۴).  
 ۱۵ هامش: در مصطلح نسخه‌نویسی، به کرانه‌های سه‌گانه صفحات نسخه، هامش گویند که کاتب، یا ادامه عبارت و مطالب متن را بر آنها کتابت می‌کرده و یا متن را به کتابی اختصاص می‌داده و بر هامش کتاب یا رساله‌ای دیگر می‌نویسند (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۸۲۸).  
 ۱۶ البته تاریخی که کاتب، تراب اقدام الفقرا درویش منصور در پایان نسخه زده است، وی را کاتبی کم سواد می‌شناساند. ارتباط وی با درویش منصور، کاتب نسخه یزد (شماره ۸۱۹۳ or، کتابخانه بریتانیا) نیازمند پژوهشی دیگر است.

۱ از واژه مسطرو سطراره برای خطکش هم استفاده می‌شده است (برای یک سطراره صفوی رک: قوچانی، ۱۳۸۲، ۲۳۰-۲۲۲).  
 ۲ برای چگونگی ساخت یک مسطره رک: (سید یوسف حسین، ۱۳۹۰، ۳۱).  
 ۳ در اینجا به آنچه وصالی متن و حاشیه است و در منابعی مانند (دروش، ۱۳۹۵، ۷۰) و یا (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۲۱) بدان اشاره شده است، نمی‌پردازیم.  
 ۴ در این پژوهش فقط نسخه‌های خطی مورد پژوهش قرار گرفته‌اند و اسناد تاریخی که شیوه نگارش آنها در برخی منابع مانند آیین دبیری از عبدالخالق میهنی و یا در سده‌های بعد در صبح الاعشی تألیف قلقشندی صحبت شده، در حوزه این پژوهش قرار ندارند.  
 ۵ آدرس نسخه: <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b11001636f/f74.item.r=arabe%202457.zoom>  
 ۶ مدورنویسی قبل از کتب، در ظروف و سکه‌ها کاربرد داشته است. برای نوعی از مورب‌نویسی در کتیبه‌های سنگ قبرهای دوره عثمانی (در گورستان‌های تاریخی مانند غزه رک: تاریخ غزه فی نهاییه العصر العثماني من خلال شواهد القبور (فرج الحسینی، ۲۰۱۷، اشکال ۱۷، ۲۴).  
 ۷ این نسخه از روی نسخه‌ای به خط خود ابوریحان که در ۴۲۳ نوشته بوده، کتابت شده است.  
 ۸ با توجه به اینکه میکروفیلم‌های استفاده شده از فهرست سه جلدی میکروفیلم‌ها (دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۴۸) انتخاب شده‌اند و ارجاع به مکان نگهداری در آن فهرست ذکر شده است، به منظور رعایت اختصار فقط



## فهرست منابع

## ۱- منابع چاپی

- افشار، ایرج (۱۳۸۹)، سطر بندی گشاده و کوتاه در نسخه، نامه بهارستان، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۴۴-۳۷.
- اورستی، پائولا (۸۵-۱۳۸۴)، نسخه‌های خطی اسلامی: ویژگی‌های مادی و گونه شناختی، ترجمه شیرین بنی احمد، نامه بهارستان، سال ششم، شماره ۱ اول-دوم، صص ۷-۳۵.
- ابن جماعه (۱۹۵۰)، تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم، الناشر: دارالبشائر الاسلامیه.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن الشهرزوری تقی الدین (۱۹۸۶)، معرفه انواع علوم الحدیث، تحقیق نورالدین عتر، دار الفکر، دمشق.
- ابن مسحل (۱۹۶۱)، کتاب النوادر، تحقیق عزه حسین، الجز الاول، الناشر مجمع اللغة العربیه، دمشق.
- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، الگ (۱۳۹۴)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، نشر سمت، تهران.
- بنیاد دائره المعارف اسلامی (۱۳۷۵)، دانشنامه جهان اسلام جلد ۱، انتشارات بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران.
- حسینی، سید محمدتقی (۱۳۹۴)، فهرست دستنویس‌های فارسی در کتابخانه راجب پاشا (استانبول - ترکیه)، نشر مجمع ذخایر اسلامی، قم.
- حسینی، سید محمدتقی (۱۳۹۳)، فهرست دستنویس‌های فارسی در کتابخانه قاضی زاده محمد افندی (استانبول - ترکیه)، نشر منشور سمیر، تهران.
- حسینی، سید محمدتقی (۱۳۹۳)، فهرست دستنویس‌های فارسی در کتابخانه حالت افندی (استانبول - ترکیه)، نشر منشور سمیر، تهران.
- الحسینی، فرج (۲۰۱۷)، تاریخ غزه فی نهاییه العصر العثماني من خلال شواهد القبور، مرکز جمعه الماجد للثقافه والتراث، دبی.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- دروش، فرانسوا (۱۳۹۵)، دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی، ترجمه سید محمد حسین مرعشی، نشر سمت، تهران.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۳)، جلوه‌های هنر پارسی، ترجمه ع. روحبخش، نشر فرهنگ و ارشاد، تهران.
- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶)، تحفه المجتبین، انتشارات میراث مکتوب و نقطه، تهران.
- سید یوسف حسین (۱۳۹۰)، رساله جلدسازی، تصحیح علی صفری آق قلع، انتشارات میراث مکتوب، تهران.
- صفری آق قلع، علی (۱۳۹۰)، نسخه شناخت، انتشارات میراث مکتوب، تهران.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۸۲)، هدیه شاه صفی به معمار مسجد شاه اصفهان، اثر، شماره ۳۵، صص ۲۳-۲۲۲.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، کتاب آرابی در تمدن اسلامی، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳)، ارشاد الاریب الی معرفه الادیب، محقق: عباس، احسان، الناشر دار الغرب الإسلامی، بیروت.

## ۲- منابع خطی

- قرآن (شماره ۱۹۵۰، موزه رضا عباسی)
- آلبوم دیز (شماره ۱، Diez A fol. 74، برلین، سده ۹ ق)
- إبانه (شماره ۲۳۵ مجموعه امام خویی، مجلس، قرن ۸)
- التریاق (شماره ۲۹۶۴، فرانسه، ۵۹۵ هـ ق)
- التفهیم لاوائل صناعه التنجیم (شماره ۲۱۳۲، مجلس، ۵۳۸ هـ ق)
- اسکندرنامه بحری (Ms. or. quart. 1970، برلین، ۸۴۹ هـ ق)
- اغراض طبی (شماره ۶۰۹۵، مجلس، سده ۷ ق)
- تقویم الابدان (شماره 2947، فرانسه، ۵۴۷ هـ ق)
- جنگ اسکندر سلطان (شماره Add ms 27261، بریتانیا، ۸۱۴ هـ ق)
- جنگ اشعار (شماره ۵۳۱۹، ملک، سده ۱۰ ق)
- جنگ شعر (شماره ۵۱۱۵، ملک، سده ۱۱ ق)
- جمل الفلسفه (شماره ۱۹۱۸، اسعدافندی، ۵۲۹ هـ ق)
- چهل حدیث (شماره ۵۹۱۶، ملک، ۹۶۸ هـ ق)
- چهل حدیث (شماره ۵۹۳۱، ملک، ۹۸۶ هـ ق)
- خمسه (شماره 580، Persan، فرانسه، ۷۶۶ هـ ق)
- دیوان خاقانی (نسخه شماره ۹۷۶، کتابخانه مجلس، اواخر سده ۶ ق)
- دیوان خواجو (شماره ۵۹۸۰، ملک، ۷۵۰ هـ ق)
- دیوان سیف اسفرنگی (شماره ۸۹۰، کتابخانه گنج بخش، ۷۵۴ هـ ق)
- دیوان عطار (شماره ۲۶۰۰، مجلس، ۷۰۷-۶۸۸ هـ ق)
- دیوان قاسم انوار (شماره Ms. or. oct. 2150، برلین، ۸۰۰ هـ ق)
- رساله ریاضی (شماره 2457، arabe، فرانسه، ۳۵۸ هـ ق)
- رساله ریاضی (شماره 4821، arabe، فرانسه، ۵۴۳ هـ ق)
- رساله شرفیه (میکروفیلم ۵۰۹۷، دانشگاه تهران، سده ۷ ق)
- رساله عقل نامه (میکروفیلم ۲۰۶۹، دانشگاه تهران، سده‌های ۱۲ یا ۱۳)
- رساله در هیات (میکروفیلم شماره ۲۶۲، دانشگاه تهران، سده ۶ ق)
- روضه المنجمین (شماره ۱۲۰۱، رضوی، سده ۶ ق)
- روضه المنجمین (شماره ۶۳۹۰، مجلس، سده ۶ ق)
- روضه الناظر و نزهه الخاطر (شماره ARABE 3366، فرانسه، ۸۰۲ هـ ق)
- زیچ ریقانی (شماره 6913، arabe، فرانسه، ۴۷۸-۴۸۸ هـ ق)
- زیچ ایلخانی (شماره 163، persan، ۱۵۱۳، فرانسه، ۶۸۷ هـ ق)
- سفینه تبریز (شماره ۱۴۵۹۰، مجلس، ۷۲۳-۷۲۱ هـ ق)
- شاهنامه (شماره ۵۹۹۴، ملک، سده ۸ ق)
- فی تحقیق ماللهند (شماره 6080، arabe، فرانسه، ۵۵۴ هـ ق)
- قانون مسعودی (شماره 6840، arabe، فرانسه، ۵۰۱ هـ ق)
- کلیله و دمنه (نسخه شماره Or 13506، بریتانیا، ۷۰۷ هـ ق)
- کلیات سعدی (شماره ۲۵۶۹، مجلس، ۷۲۱ هـ ق)
- کلیات عطار (میکروفیلم ۱۰۴، دانشگاه، ۸۲۸ هـ ق)
- کلیات سعدی (شماره Cod. Pers. Add. 24، دانمارک، احتمالاً سده‌های ۱۳ و ۱۲)
- کلیات سعدی (شماره Cod. Pers. Add. 22، دانمارک، ۱۲۴۷ هـ ق)
- لب الحساب (شماره ۵۲۱۳، دانشگاه تهران، سده ۷ و ۶ ق)
- مجموعه (شماره ۱۲۰۹، کتابخانه کوپرولو، ۴۴۷ هـ ق)
- مجموعه ادبی (میکروفیلم شماره ۴۰۲۵، دانشگاه تهران، ۶۹۸ هـ ق)
- مجموعه (میکروفیلم شماره ۱۹۵، دانشگاه تهران، ۸۱۱-۷۵۰ هـ ق)
- مجموعه (شماره ۱۷۶۴، ملک، ۷۲۵ هـ ق)
- مجموعه (شماره ۱۴۱۷، مجلس، ۷۳۹ هـ ق)
- مقامات حریری (شماره 5847، arabe، فرانسه، ۶۳۴ هـ ق)
- مقامات حریری (شماره 3925، arabe، فرانسه، سده ۶ ق)
- Adamova, Adel Tigranovna & Bayani, Manijeh (2015), *Persian Painting: the arts of the book and portraiture*, IMPRINT: Thames and Hudson, London.
- Perho, Irmeli (2014), *Catalogue of Persian manuscripts (1&2)*, IMPRINT: NIAS press, Copenhagen.
- Roxburgh, david J (2005), *The Persian album, 1400-1600: from dispersal to collection*, IMPRINT, Yale university press, New Haven.
- Wright, Elaine Julia (2012), *The look of the book: manuscript production in Shiraz, 1303-1425*, IMPRINT: 1- Washington, D.C.: Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution. 2- Seattle: university of Washington. 3- Dublin: Chester beatty library.

# A Study on Diagonal Writing in Islamic Manuscript Layout From 11th -15th Centuries

Saeed Khoddari Naeeni<sup>1</sup>, Elham Akbari<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Faculty of Conservation and Restoration, Tehran Art University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> M.A. Student of Islamic Arts, Faculty of Conservation and Restoration, Tehran Art University, Tehran, Iran.

(Received 27 Jun 2018, Accepted 20 Oct 2018)

**S**tudying Islamic manuscripts and different art, which enriched them as masterpieces show that different factors and elements are employed to obtain artistic vision and composition. Calligraphers, painters and illuminators works of art are unified in a pleasant and beautiful appearance. The Islamic manuscripts are written in different types of scripts, languages but almost all of them are written in Arabic alphabet, which is written from right to left. A ruler called Mastar is used to adjusting text rows in the pages. However, sometime the text is written diagonal. One of the factors, which caused to develop a new form of writing and as its consequence, a new form of combination in calligraphy and painting in Persian manuscripts, which is writing texts diagonally. Writing diagonally started at first in the scientific manuscripts and it developed in the 9th century while Nastaliq script selected for writing artistic manuscripts. Then in Safavid (1501-1721 A.D) and Qajar (1796-1925 A.D), periods writing texts diagonally became more complicated somewhere it is heard to read the text. Writing text diagonal resulted in a variety in page layout and also it resulted in using all the page space for writing. Writing text diagonally in Islamic manuscripts at first was appeared in scientific manuscripts. In Addition, some necessities such as lack of enough space for writing, comments, corrections or translations caused to write text diagonally. Writing diagonally at first was appeared inevitable but Muslim artist used it as a decorative element in the page layout. The diagonal texts in first poetry books are special words, which separate prose text from poems. In scientific manuscripts, the words, which were written in the tables, were diagonal due to the

length of the words and limited spaces for writing. Writing diagonally then appeared in the last part of text, in the end of manuscripts or before a painting or illumination in the manuscripts. The oldest manuscripts which have diagonal writing in the text is a work of Saadi belongs to 721 Hijri. Writing texts diagonally then was extended to margins and made a different type of layout. This enable copyist to write different works in a codex, but also it created a diagonal illumination: Diagonal Tazhib, on top of diagonal text, which became a usual ornament in Shiraz manuscripts. The oldest manuscript which have some complete works in margins, which are written diagonally, is a collected work from 754-756 Hijri. Making texts diagonal are often seen in literary texts and became a main factor in manuscript layout. There is not a study on the origin of diagonal writing and its improvement. The authors here try to find the early manuscripts with diagonal writing, how it became a decorative factor and how it influenced other elements in manuscript decoration. Diagonal writing both as artistic calligraphy or usual handwritings are studied here. Some early manuscripts studied and the oldest diagonal writing were identified from 10th century, which appeared in scientific manuscripts before literary works.

## Keywords

Islamic Manuscripts, Diagonal Writing, Layout, 11th-15th Centuries.